



Islamic Maaref University

Scientific Journal  
**The History of Islamic Culture  
And Civilization**

Vol. 15, Summer 2024, No. 55

**Review of reformist efforts  
in the second period of the Abbasid caliphate**

Seyyed Mohammad Tayibi<sup>1</sup>

1. Associate Professor of the History Department of  
Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. [m.tayybi@uk.ac.ir](mailto:m.tayybi@uk.ac.ir)

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article	The second period of the Abbasid caliphs (232-322 AH) with the emergence of several factors, some of which were rooted in the policies of the rulers of the first Abbasid period, the prestige and concentration along with the authority of the caliphate institution faced a serious and deteriorating challenge. The caliphate system was a toy in the hands of the power-seekers who had seized the sovereign affairs. A few of the caliphs of the period started and pursued reformist efforts in various elements in order to restore the former status of the mentioned institution and, according to their belief, by identifying structural damages, gaining the satisfaction of the people and the properties of the society, and restoring the basic position of the caliphate. In the present research, it is tried to analyze the set of actions of reformer caliphs based on library studies and descriptive-analytical method. The findings of research mean that reform efforts in political, economic, military, social and scientific-educational dimensions have been more or less visible; But the achievements have not left a significant impact on the reform of the structure and its continuity.
<b>Received:</b> 2023.11.22	
<b>Accepted:</b> 2024.05.28	
<b>Keywords</b>	Abbasid caliphate, the second period, reforming caliphs, reform action.
<b>Cite this article:</b>	Tayibi, Seyyed Mohammad (2024). Review of reformist efforts in the second period of the Abbasid caliphate. <i>The History of Islamic Culture And Civilization</i> . 15 (2). 79-98. DOI: ??
<b>DOI:</b>	??
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## دراسة المساعي الإصلاحية في العصر الثاني للخلافة العباسية

سيد محمد طيبي<sup>١</sup>

١. استاذ مرادف فرع التاريخ و مدرس دروس المعارف الاسلامية، بجامعة الشهيد باهرى كرماني، كرماني، ايران.

m.tayybi@uk.ac.ir

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	في العصر الثاني للخلافة العباسية (٢٣٢-٨٣٣٤) و مع بروز عوامل متعددة البعض منها تمتد جذورها الي سياسات خلفاء العصر العباسي الاول، واجه شأن و منزلة و التمرکز مصحوبة باقتدار مؤسسة الخلافة تحديات جادة و منتج للزوال. كانت مؤسسة الخلافة ألعبوة بيد طلاب السلطة المهيمنة علي شؤون الحكم. قام بعض خلفاء هذا العصر المطروح للبحث ببدء المساعي بغية أحياء مكانه مؤسسة الخلافة السابقة و باعتقادهم من خلال التعرف علي الاضرار المؤسساتية، استقطاب رضي العامة و الخاصة في المجتمع و احياء المكانة الاساسية للخلافة، بدوا بمساعي حثيثة إصلاحية في المجالات المختلفة. في البحث الحاضر بذلت الجهود كي بالاعتماد علي المطالعات المكتبية و بأسلوب وصفي - تحليلي دراسة مجموعة الاجراءات الإصلاحية للخلفاء. معطيات البحث تدل علي ان المساعي الإصلاحية في الابعاد السياسية، الاقتصادية، العسكرية، الاجتماعية و العلمية - التعليمية مشهودة الي حد ما، لكن الحصيلة الناتجة في اصلاح الهيكلية و استمرار ذلك لم تؤد الي التأثير الاساسي اللازم.
تاريخ الاستلام: ١٤٤٥/٠٥/٠٨	
تاريخ القبول: ١٤٤٥/١١/٠٩	
الألفاظ المفتاحية	الخلافة العباسية، العصر العباسي الثاني، الخلفاء المصلحون، الاجراءات الإصلاحية.
الاقتباس:	طيبي، سيد محمد (١٤٤٥). دراسة المساعي الإصلاحية في العصر الثاني للخلافة العباسية. مجلة تاريخ الثقافة والحضارة الإسلامية. ١٥ (٢). ٩٨ - ٧٩. DOI: ??
رمز DOI:	??
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، ايران.



# تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی

سال ۱۵، تابستان ۱۴۰۳، شماره ۵۵

## بررسی تکاپوهای اصلاح‌گرایانه در دوره دوم خلافت عباسی

سید محمد طیبی<sup>۱</sup>

۱. دانشیار گروه تاریخ و مدرس دروس معارف اسلامی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

m.tayybi@uk.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۹۸ - ۷۹)	دوره دوم خلفای عباسی (۲۳۲ - ۳۲۲ ق) با بروز عوامل متعدد که برخی از آنها ریشه در اعمال سیاست فرمانروایان دوره نخست عباسی داشت، منزلت و تمرکز همراه با اقتدار نهاد خلافت با چالش جدی و زوال آفرین مواجه گردید. دستگاه خلافت بازیچه‌ای در دست قدرت‌طلبان استیلاء یافته بر امور حاکمیتی بود. معدودی از خلفای دوره مورد بحث در جهت احیاء جایگاه پیشین نهاد مزبور و به باور خود با شناسایی آسیب‌های ساختاری، جلب رضایت عوام و خواص جامعه و احیاء جایگاه اساسی خلافت تکاپوهای اصلاح‌گرایانه‌ای را در ارکان مختلف آغاز و پیگیری نمودند. در پژوهش حاضر سعی شده تا باتکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی - تحلیلی مجموعه اقدامات خلفای اصلاح‌گر مورد بررسی قرار گیرد. یافته‌های پژوهش ناظر به این معنا است که تلاش‌های اصلاحی در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی و علمی - آموزشی کمابیش جلوه‌گر بوده؛ لیکن دستاوردهای حاصله در اصلاح ساختار و استمرار آن تأثیر اساسی بر جای نگذاشته است.
واژگان کلیدی	خلافت عباسی، دوره دوم، خلفای اصلاح‌گر، اقدام‌های اصلاحی.
استناد:	طیبی، سید محمد (۱۴۰۳). بررسی تکاپوهای اصلاح‌گرایانه در دوره دوم خلافت عباسی. تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی. ۱۵ (۲). ۹۸ - ۷۹. DOI: ??
کد DOI:	??
ناشر:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

## طرح مسئله

عباسیان در سال ۱۳۲ هجری با سیطره بر قلمرو گسترده فرمانروایی امویان، امپراتوری وسیعی را سامان بخشیدند. دوران نخست حکمرانی خلفای مزبور متمرکز، نیرومند و توسعه‌آفرین تا سال ۲۳۲ هجری (آغاز خلافت متوکل) استمرار یافت. در عصر دوم خلافت به دلایل متعدد پیوستگی، تمرکزگرایی، استیلا و شأن منصب خلافت با چالش جدی مواجه و هیبت دوره اول در مواجهه با ظهور حاکمیت‌های استقلال طلب و امیران سرکش در محاق فرو رفت. در بحران حادث شده، برخی از خلفا با در پیش گرفتن برنامه‌های اصلاحی در راستای احیاء عظمت دوشین و دمیدن روح تازه به کالبد افسرده نهاد خلافت، تلاش و تکاپوی جدی آغاز کردند. با عنایت به ماهیت موضوع در مقاله و جستار حاضر برآنیم تا معطوف به داده‌های تاریخی پاسخ این پرسش اساسی و سؤالات فرعی زیرمجموعه آن را مورد بررسی، توصیف و تحلیل قرار دهیم که خلفای دغدغه‌مند دوره دوم عباسی جهت غلبه بر مشکلات ساختاری، بازیابی و احیاء خلافت و جلب رضایت عمومی کدامین اقدامات اصلاحی را جامه عمل پوشانده‌اند؟

در باب ضرورت و اهمیت بحث می‌توان اشاره داشت که خلفای عصر دوم متجاوز از چهار قرن با چالش‌های گوناگون و در بردارنده آثار و نتایج همراه با ضعف و کاهش اقتدار و زوال‌آفرین مواجه بودند. لیکن در این بستر و شرایط مخاطره‌آمیز، معدودی از آنان در جهت برون‌رفت از بحران، بازیابی و احیاء عظمت و اُبَتهت پیشین (دوره نخست خلافت)، جلب و جذب رضایت رعیت، تلاش‌ها و اصلاحاتی را در عرصه‌های مختلف دستگاه خلافت و حل و فصل مشکلات مبتلا به جامعه آغاز و به انجام رساندند. براین‌اساس بررسی و شناخت ماهیت و نوعیت تکاپوهای اصلاح‌گرایانه خلفای مذکور، علل و کامیابی‌ها - ولو کوتاه مدت - ناکامیابی‌ها در مواجهه با رقبا و چیره‌شدگان قدرت طلب و دستیابی به تجارب حاصله اقدامات آنان درخور اهمیت و از ضرورتی انکارناپذیر برخوردار است.

## پیشینه تحقیق

پیرامون مباحث و موضوعات متنوع و قابل بررسی دوره دوم خلافت عباسی مقالات متعددی به رشته تحریر درآمده است. در این میان، طبق بررسی به‌عمل آمده در ارتباط با اقدامات و کارکردهای اصلاح‌گرایانه در دوره یاد شده، سه مقاله آن هم‌گزینی و محدود به دوره خاص و دربردارنده برخی اجزاء و ساختار نظامی و اقتصادی، قابل تأمل و درخور مطالعه است. در مقاله «کامیابی معتضد در مدیریت بحران مالی خلافت عباسی»<sup>۱</sup> به بحران مالی حادث شده در عصر خلیفه مذکور و ارائه راه‌حل‌های

۱. ناظمیان فرد و حاتم‌الابراهیمی، «کامیابی معتضد در مدیریت بحران مالی خلافت عباسی»، پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، ش ۱۶، ص ۱۵۴-۱۴۳، ۱۳۹۴.

متناسب با تأکید بر ساختار نظامی و کاستن اقتدار نظامیان پرداخته شده است. در مقاله «اصلاح ساختار دولت عباسی در نیمه دوم سده سوم هجری»<sup>۱</sup> فرایند اجرای اصلاحات با تأکید بر اصلاح‌گری در ساختار نظامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. نویسندگان مقاله «اقدامات متوکل در رهایی خلافت عباسی از سلطه ترکان»<sup>۲</sup> اقدامات متوکل در رهایی خلافت عباسی از سلطه ترکان را مورد واکاوی قرار داده‌اند. در دو اثر پژوهشی متأخر تحت عناوین **خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه** اثر سید احمد خضری<sup>۳</sup> و **دولت عباسیان** اثر محمد سهیل طقوش<sup>۴</sup> به گونه‌ای مستقل و همه‌جانبه به اصلاحات دوره دوم خلافت عباسی پرداخته نشده است لیکن شایان ذکر است که در آثار یاد شده آن‌هم در جریان توصیف رخداد های دوران خلافت متوکل و مهندی به مواجهه ناموفق با سلطه ترکان اشاره رفته است. با نظر داشت مفاد و محتوای مقالات یاد شده می‌توان اذعان داشت که در ارتباط با موضوع مقاله پیش‌روی و مباحث طرح شده در آن (ارائه نمایش کارنامه و کارکرد مجموعه اقدامات خلفای اصلاح‌گر در ابعاد و ساحت‌های مختلف دستگاه خلافت)، پژوهشی منسجم و مستقل به نگارش در نیامده و خلأ پژوهشی همچنان مشهود است.

## ۱. تکاپوهای اصلاح‌گرایانه سیاسی - نظامی

### یک. رویارویی با اقتدار فرماندهان ترک

یکی از ویژگی‌های بارز دوره دوم خلافت عباسی چیرگی و استیلای فرماندهان ترک بر امور و از میان رفتن عظمت خلافت بود. نفوذی که از عصر معتصم (حک: ۲۲۷ - ۲۱۸ ق) آغاز و در خلافت واثق (حک: ۲۳۲ - ۲۲۷ ق) موجبات تسلط آنان را در تمامی حوزه‌ها و امور نظامی، اقتصادی و سیاسی دستگاه خلافت فراهم ساخت. زین پس صاحب‌منصبان ترک، خلفا را دست‌نشانده خود قرار داده و به آسانی آنان را از قدرت عزل، نابینا، دارایی‌شان را مصادره و یا به قتل می‌رساندند.<sup>۵</sup>

تضعیف روزافزون اقتدار خلفا موجب شد تا برخی از آنان در جهت احیاء دوباره قدرت از دست‌رفته تلاش نمایند. این رویارویی، از خلافت متوکل (حک: ۲۴۷ - ۲۳۲ ق) آغاز و کمابیش استمرار یافت.

۱. احمدی‌منش، «اصلاح ساختار دولت عباسی در نیمه دوم سده سوم هجری»، *پژوش های علوم تاریخی*، س ۷، ش ۱، ص ۱۹ - ۱، ۱۳۹۴.

۲. پرگاری و مؤمنی لندی، «اقدامات متوکل در رهایی خلافت عباسی از سلطه ترکان»، *روزگاران*، س ۱۲، ش ۱۱، ص ۲۰ - ۱، ۱۳۹۳.

۳. سیداحمد رضا، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، تهران، سمت، ۱۳۸۴.

۴. محمد سهیل، *دولت عباسیان*، ترجمه حجت الله جودکی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۹.

۵. ابن طباطبا، *تاریخ فخری*، ص ۳۸؛ ترمائینی، *رویدادهای تاریخ اسلام*، ج ۲، ص ۲۹؛ طقوش، *دولت عباسیان*، ص ۱۸۸ - ۱۸۷؛ زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۳۱۴ - ۳۱۳.

متوکل درجهت کوتاه کردن نفوذ و کاستن درجات امیران ترک و بر اساس رسم و شیوه پیشین دوره اول عباسی - به‌ویژه دوره هارون الرشید - مناطق مهم را به سه فرزند پسر خود واگذار کرد. در چگونگی واگذاری به نیابت از فرزندان، نمایندگانی را تحت نظارت مستقیم خود تعیین نمود. آنان در وهله نخست موظف بودند تا پاسخ‌گو و مجری فرمان‌های خلیفه باشند تا فرزندانش.<sup>۱</sup> او در اقدام دیگر علاوه بر تلاش در ایجاد اختلاف میان امیران ترک و کاستن از مقرری آنان ایتاخ ترک که از سمت آشپزی در دوران معتصم هم‌اکنون مناصبی چون فرماندهی سپاه، اداره اموال و حاجی را کسب و از نفوذ بالایی برخوردار شده بود به قتل رساند؛ و اموال صاحب‌منصب و مقام عالی دیگر ترک (وصیف) را مصادره نمود.<sup>۲</sup> لیکن سرانجام در این رویارویی قدرت‌طلبانه، اقدامات متوکل به لحاظ نفوذ کم‌نظیر ترکان و با مقتول شدن او به سرانجام نرسید و ناکام ماند.

مهدتی (حک: ۲۵۶ - ۲۵۵ ق) پس از دستیابی به خلافت بر این باور بود که عامل اصلی مشکلات، فساد و تباهی حادث شده در خلافت عباسی، ریشه در استیلا و عملکرد خودسرانه و زورمندانه چیره‌شدگان ترک دارد. او علاوه بر دعا، توسل و استمداد از پروردگار برای رهایی از شر آنان، در اقدامی عملی حذف و پاکسازی، دستگاه خلافت از امیران مزبور را در دستور کار قرار داد. در نخستین اقدام، دو تن از سردمداران و امیران صاحب‌نفوذ ترک همانند بایکباک و برادر موسی بغا از فرماندهان شاخص ترک را که در این شرایط به جنگ علویان زیدی طبرستان رفته بود، به قتل رساند. لیکن در سرانجام این جدال پیش آمده، انسجام امیران ترک، حمایت هم‌نژادان آنها و عدم همراهی جدی هواداران خلیفه موجبات شکست و قتل فجیع او را فراهم ساخت.<sup>۳</sup>

مستعین (حک: ۲۵۲ - ۲۴۸ ق)، معتضد (حک: ۲۸۹ - ۲۷۸ ق)، مکتفی (حک: ۲۹۵ - ۲۸۹ ق)، مقتدر (حک: ۳۲۰ - ۲۹۵ ق) و راضی (حک: ۳۲۹ - ۳۲۲) از دیگر خلفایی بودند که در کاهش نفوذ و حذف چیره‌شدگان ترک تلاشی جدی را آغاز کردند. در جریان مبارزه و رویارویی طرفین گرچه برخی از فرماندهان متنفذ ترک به قتل رسیده و یا از بغداد تبعید شدند؛ لیکن دو تن از خلفا (مقتدر و مستعین) مقتول و سه خلیفه دیگر (معتضد، راضی و مکتفی) در کاهش نفوذ ترکان، تغییر اوضاع و ساختار مسلط به نفع خلیفه و اعتبار خلافت و احیاء اختیارات پیشین کمابیش توفیقاتی - گرچه کوتاه‌مدت - به دست آوردند.<sup>۴</sup>

۱. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۱۴، ص ۶۲۶ - ۶۲۵؛ جمعی از نویسندگان، *تاریخ اسلام*، ص ۷۰.

۲. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۳۴۵؛ طقوش، *دولت عباسیان*، ص ۱۸۹؛ جمعی از نویسندگان، *تاریخ اسلام*، ج ۴، ص ۷۰.

۳. طبری، *تاریخ طبری*، ج ۱۵، ص ۶۳۸۹؛ مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۵۹۱.

۴. همان، ص ۳۵۷؛ ابن‌الوردی، *تتمة المختصر فی اخبار البشر*، ج ۱، ص ۳۹۲؛ طقوش، *دولت عباسیان*، ص ۱۹۲ - ۱۹۱.



## دو. تأسیس نظام امیرالامرای

یکی از ویژگی‌های دوره دوم عباسی، ضعف و انحطاط روزافزون نهاد وزارت بود. چیره‌شدگان ترک به آسانی وزرای منصوب خلفا را عزل، اموالشان را مصادره و در مواردی به قتل می‌رساندند.<sup>۱</sup> برخی از خلفا در جهت احیاء جایگاه واقعی نهاد مزبور تلاش‌هایی را آغاز کردند. خلیفه راضی در تصمیمی نو و اصلاحی و با نظر داشت اهدافی چون سامان‌دهی و کاستن از اقتدار امیران ترک و احیاء نقش مهم پیشین و ذاتی نهاد وزارت در دستگاه اداری خلافت، منصبی جدید تحت عنوان «منصب امیرالامرای» پایه‌گذاری کرد. در این اقدام تمامی اختیارات و وظایف حکومتی نهاد وزارت به منصب مزبور واگذار شد. نام مقام و مسئول تشکیلات نوپا به همراه نام خلیفه در خطبه‌ها قرائت و بر سکه‌ها ضرب گردید.<sup>۲</sup>

گرچه مقام و منصب جدید با حمایت جدی خلیفه و دارا بودن اختیارات وسیع فعالیت خود را آغاز و بر امور و مسئولیت‌های زیرمجموعه کمابیش سیطره یافت؛ لیکن به لحاظ دارا بودن موقعیت بالا در دستگاه خلافت و مواهب مادی حاصله، مدعیان فراوانی بر سر تصاحب و در اختیار گرفتن آن به تکاپو و رقابت پرداختند. ازجمله تلاشگران در این عرصه، امیران و فرماندهان نظامی ترک بودند. آنان به لحاظ اقتدار نظامی و نفوذ همه‌جانبه در ارکان حاکمیت، مقام مزبور را تصاحب نموده و اقدام اصلاحی خلیفه با ناکامی و شکست مواجه گردید.<sup>۳</sup>

## سه. تجمیع دیوان‌ها و مراکز اداری

تلاش و برنامه‌ریزی در جهت تجمیع دیوان‌ها و مراکز اداری به‌منظور و قصد بازسازی اقتدار منصب خلافت از دیگر اقدامات دوره دوم عباسی بود. معتضد در راستای اصلاح نظام اداری و اعمال نظارت دقیق بر آنها با صلاح‌دید، طراحی و همراهی کارگزارانی از خاندان آل‌فرات (ابوالعباس احمد و برادرش ابوالحسن علی)، دیوان‌های رسائل، برید، خراج و ... را در یک دیوان و تحت عنوان «دیوان الدار» (دیوان الدار الکبیر) تجمیع کرد.<sup>۴</sup> گرچه با بروز مشکلات نامعلوم که منابع به آنها اشاره‌ای نکرده‌اند، برخی دیوان‌های پیشین دگر بار استقلال خود را بازیافته و از آن جدا شدند، لیکن دیوان مزبور تحت عنوان دفترخانه محاسبات یا اداره ثبت و ضبط امور مرتبط با دریافت مالیات ارضی همچنان به کار ادامه داد و در ساختار اداری و مالی باقی ماند.<sup>۵</sup>

۱. ترمینینی، *رویدادهای تاریخ اسلام*، ج ۲، ص ۲۹.

۲. ابن مسکویه رازی، *تجارب الامم*، ج ۱، ص ۳۵۱.

۳. میکال، *اسلام و تمدن اسلامی*، ص ۱۸۸ - ۱۷۲.

۴. صابی، *تحفة الامراء فی تاریخ الوزراء*، ص ۱۴۸.

۵. جمعی از نویسندگان، *تاریخ اسلام*، ج ۴، ص ۷۳ - ۷۲.

مکتفی در اقدامی اصلاحی و به منظور اشراف کامل بر امور اداری و نظامی در سراسر قلمرو خلافت، تمامی دیوان‌ها را زیرمجموعه دیوانی موسوم به دیوان مرکزی (دیوان کاخ) قرار داد. به نحوی که نامه‌ها، درخواست‌ها و هرآنچه مربوط به امور عمومی بود به دیوان مزبور واصل و پس از بررسی همه‌جانبه، دستورات لازم جهت پیگیری به مسئولان حکومتی صادر می‌گردید.<sup>۱</sup> منابع در خصوص پیامدهای مثبت و یا منفی اقدام اصلاح‌گرایانه خلیفه یاد شده گزارش و اطلاعات قانع‌کننده ارائه و عرضه نکرده‌اند.

#### چهار. اعمال نظارت بر عملکرد دیوان‌ها

در نظارت بر کارکرد دیوان‌های حکومتی و مسئولان آنان خلفایی چون مهتدی (حک: ۲۵۶ - ۲۵۵ ق) و قائم (حک: ۴۶۷ - ۴۲۲ ق) جدیت و توجه ویژه داشتند. مهتدی در رسیدگی به امور مشکلات مردم علاقه شخصی خاص داشت. او گزارش‌ها و شکایت‌های مرتبط با امور مختلف حکومتی و خلافت را با حوصله و گذاشتن وقت مطالعه، با خط خود توشیح، پاسخ و فیصله می‌داد.<sup>۲</sup> قائم با علاقه‌مندی نامه‌ها و شکایت‌های مردمی واصله به مراکز دیوانی مستقر در مرکز خلافت را مورد بررسی و مطالعه قرار داده و بر رفع مشکلات، احقاق حقوق، اقامه عدل و جلوگیری از استبداد و ستمگری کارگزاران امور حکومتی کوشا و پیگیر بود.<sup>۳</sup>

#### ۲. تکاپوهای اصلاح‌گرایانه اقتصادی

معطوف به بحران‌های حادث شده و مشکلات اقتصادی مبتلابه در جامعه و قلمرو فرمانروایی نهاد خلافت، اصلاح‌گری در ابعاد و ساختار معیوب آن از سوی برخی خلفا ضرورتی انکارناپذیر بود. براین اساس برنامه‌های اصلاحی شش‌گانه‌ای به شرح زیر در دستور کار و اقدام قرار گرفت.

##### یک. انحلال دیوان مواریت

ازجمله مسائل مهم و تازه‌ای که بین فقهای مسلمان مطرح شد و بحث‌های بسیاری برانگیخت این بود که برخی از آنان بر این نظر بودند که اگر میت وارث نزدیک نداشته باشد، به جای آنکه اموالش بین وابستگان دور تقسیم شود به نفع بیت‌المال مصادره گردد. معتمد (حک: ۲۷۸ - ۲۵۶ ق) با استقبال فوری از این فتوا و دیدگاه، دیوان مواریت را درجهت ضبط و تصرف اموال اموات فاقد وارث درجه یک تأسیس نمود.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۱۹۳

۲. یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۵۳۸.

۳. ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۱۴، ص ۵۹۸۸.

۴. متز، تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری، ج ۱، ص ۱۳۸ - ۱۳۷.



در اقدام جدید با اضافه آمدن سهم معین و یا عدم ذوی‌الفروض (کسانی که سهم‌الارث آنان درباره ماترک میّت در قرآن و حدیث تصریح شده است)؛ اموال بازمانده به نفع حاکمیت مصادره و تصرف می‌شد. به‌نحوی که به‌وضوح سهم‌الارث شرعی دیگر منسوبان اموات همانند ذوی‌الارحام (کسانی که از طرف اناث منتسب به میّت هستند)، و عصبه (خویشاوندان پدری میت) به عنوان بستگان و منسوبان درجه دو به رسمیت شناخته نمی‌شد. خلفایی همانند مکتفی، مقتدر، معتضد و راضی در جهت جلوگیری از تزییع حقوق صاحبان ارث و بازماندگان درجه دو اموات، فعالیت دیوان مواریث را متوقف و از انحلال آن حمایت کردند.<sup>۱</sup> انحلال دیوان مزبور با وجود درآمدزایی برای حاکمیت، حرکتی اصلاحی و عادلانه از سوی خلفای مورد اشاره بود. لیکن درمورد استمرار و یا حمایت از قاعده وضع شده تا پایان خلافت عباسی گزارش قابل توجهی مشهود نیست.

## دو. رویکرد برخی خلفا به ساده‌زیستی

روی آوردن به تجمل، خوش‌گذرانی، عیاشی و ولخرجی از دوره اول عباسی آغاز و به‌تدریج در دستگاه خلافت نهاده‌ینه و رسمیت یافت. جرجی زیدان در توصیف تجمّلات دربار خلفای عباسی می‌نویسد:

... خلفای عباسی برای فراهم ساختن بساط عیش‌ونوش و تجمل همه نوع ولخرجی می‌کردند. کنیزان و غلامان به قیمت‌های گزاف می‌خریدند. فرش و اثاث از خز و دیبا و حریر تهیه می‌کردند؛ و حتی میخ‌های دیوار را از نقره می‌ساختند. باغ‌ها، کاخ‌ها و گردشگاه‌ها و شهرهای مخصوص بنا می‌نمودند. مجالس خوش‌گذرانی با تجمل فراوان ترتیب می‌دادند. ندیمان و حاشیه‌نشینان استخدام می‌کردند و از هرجهت خوراک، پوشاک و تفتن و تنقل همه نوع تجمل فراهم می‌کردند.<sup>۲</sup>

از خلفایی که در دوره دوم عباسی به مقابله با تجمل و عیاشی دستگاه خلافت و مشی مرسوم پرداخته و در کلام و عمل روش ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل و ولخرجی را در پیش گرفتند می‌توان به مهتدی و قاهر (حک: ۳۲۲ - ۳۲۰ ق) اشاره داشت. مهتدی با دستیابی به خلافت در اقدامی عملی از تجمّلات و ولخرجی دستگاه خلافت در ابعاد خوراک، پوشاک و دیگر امور متجمّلانه و متعارف درباری در حد بالایی کاست. او الگوی زندگی شخصی و معیشتی خود را خلیفه ساده‌زیست اموی (عمر بن عبدالعزیز) قرار داده و بر این باور بود که در عصر خلفای عباسی و تا زمان او فردی مشابه و همانند سیره

۱. مؤلف ناشناس، *مجمّل التواریخ و القصص*، ص ۳۶۷؛ قرطبی، *دنبالہ تاریخ طبری*، ج ۱۶، ص ۶۹۰۲؛ ترمانی،

*رویدادهای تاریخ اسلام*، ج ۲، ص ۱۵۱ - ۱۵۰؛ ابراهیم حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ص ۳۸.

۲. زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۳۳۳.

معیشتی و ساده‌زیستی خلیفه اموی عمر بن عبدالعزیز یافت نشده؛ و او خود را موظف می‌داند تا این نقیصه را برای بنی‌هاشم جبران و خلأ موجود را پر نماید.<sup>۱</sup> مسعودی درباره مقرری روزانه دربار خلافت او می‌نویسد: «خلیفگان پیش از او هر روز ده‌هزار درهم بر سفره خویش خرج می‌کردند. وی این رسم را برداشت و برای سفره و دیگر مخارج خود روزانه صد درهم مقرر داشت».<sup>۲</sup> ابن‌اثیر پیرامون ساده‌زیستی مهتدی و به نقل از یکی از ندیمان او آورده است که:

... وقت افطار پیش مهتدی بودم. طبقی آوردند که بر آن دو گرده نان، نمک، روغن و سرکه بود. [او] مرا به خوردن و گشودن افطار دعوت کرد. اندکی چشیدم و منتظر خوراکی خوردنی‌تر ماندم. اما مهتدی گفت بخور و روزه‌گشایت تمام فراگیر که در اینجا جز آنچه می‌بینی خوراکی نیست.<sup>۳</sup>

قاهر در دوران خلافت، صرفه‌جویی و قناعت در خوراک، پوشاک و دیگر امور شخصی و معیشتی را سرلوحه امور و اهداف خود قرار داده بود. قرطبی در توصیف ساده‌زیستی خلیفه مزبور چنین توضیح می‌دهد:

قاهر نیز صرفه‌جویی و قناعت را پیشه خود ساخت. جامه‌ای که می‌خواست بپوشد آن را از خانه‌اش بیاوردند. بدو گفتند چه شود اگر از خزانه جامه‌ها، جامه‌ای برای تو بگیرند؟ گفت دست به آن نزنید. اقسام غذا و حلوا و میوه‌ها که همه‌روز پیش‌روی خلیفگان می‌نهادند عرضه کردند آن را بسیار شمرد. درباره میوه گفت هر روز این را به چند می‌خرید؟ [بدو گفتند به سی دینار. گفت از این به یک دینار بس می‌کنم و از خوردنی به دوازده جور؛ و چنان بود که برای غیر او [پیش از او] تاسی جور حلوا درست می‌کرده بودند؛ او بدانچه وی را کفایت می‌کرد بس کرد.<sup>۴</sup>

گرچه اتخاذ و اقدام به ساده‌زیستی خلفای یاد شده تحوّل نوین در دستگاه و نهاد خلافت و مواجهه جدی و عملی با تجملات و عیاشی دستگاه و دربار عباسی در دوره دوم بود؛ لیکن به دلایلی چون کوتاه بودن دوران فرمانروایی خلفای مزبور، عدم همراهی کارگزاران و صاحب‌منصبان و بی‌اعتنایی خلفای بعدی تأثیری کارآمد و درازمدت در حاکمیت بر جای نگذاشت؛ و مشی تجمل‌گرایانه همراه با اسراف و تبذیر کمابیش تا پایان خلافت عباسی استمرار یافت.

۱. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۵۳۸؛ ابن‌اثیر، *تاریخ کامل*، ج ۱۰، ص ۴۲۹۵؛ نججوانی، *تجارب السلف*، ۱۸۶؛ میرخواند، *روضه الصفا*، ج ۳، ص ۲۶۷۸.  
 ۲. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۵۹۱ - ۵۹۰.  
 ۳. ابن‌اثیر، *تاریخ کامل*، ج ۱۰، ص ۴۲۹۵.  
 ۴. قرطبی، *دنباله تاریخ طبری*، ج ۱۶، ص ۶۹۷۱ - ۶۹۷۰.

### سه. تلاش در جهت فقرزدایی، رفاه عمومی و برقراری عدالت اجتماعی

خلفایی همانند مقتدر، مکتفی، معتضد، مهتدی، مقتدی، ناصر (حک: ۶۲۳ - ۵۷۵ ق)، مستضی (حک: ۵۷۵ - ۵۶۶ ق)، ظاهر (حک: ۶۲۳ - ۶۲۲ ق)، واثق، مستنصر و مستعین در زمره حکومت‌گرانی بودند که کمابیش و در ابعاد قول و عمل در جهت فقرزدایی و برقراری عدالت اجتماعی تلاش‌هایی را مبذول داشتند. مقتدر در رسیدگی به فقرای طبقات و اقشار مختلف به‌ویژه نیازمندان دو شهر مذهبی مکه و مدینه‌النبی، حجاج فقیر و تهیدستان تیره بنی‌هاشم دقت و حساسیت خاص داشت. تا آنجا که مرگ خلیفه مزبور تأثیر غم‌باری در میان نیازمندان - به‌ویژه مستحقان مدینه‌النبی - برجای گذاشت.<sup>۱</sup> قرطبی در ارتباط با حمایت مقتدر از افراد فاقد توان مالی و اقتصادی می‌نویسد:

به مقتدر خبر دادند که دکان‌ها و مستغل‌ها که مکتفی [خلیفه پیشین] در عرصه باب الطاق بنا کرده بود ناتوانگران را زیان زده که بی‌اجرت [پیش از آن] در آنجا می‌نشسته بودند [فعالیت اقتصادی می‌کردند] عرصه‌هایی گشاده بود. از درآمد آن پرسید، گفتند: هر ماه هزار دینار درآمد دارد. گفت: این مقدار در قبال صلاح مسلمانان و جلب دعای خیرشان چه اهمیتی دارد؛ و دستور داد که آن را ویران کنند و به ترتیبی که بوده بازبرند.<sup>۲</sup>

مهتدی در جهت حمایت از مردم، جلوگیری از ظلم و عدالت‌گستری، گنبدی با نام و موسوم به «گنبد دادگستری» - که چهار درب داشت - بنا کرد. او در محل مزبور به دادخواهی می‌نشست؛ و توده‌های مردم ضمن ملاقات حضوری، مشکلات و شکایات خود را از مأموران و کارگزاران حکومتی به‌راحتی و به دور از ترس مطرح می‌کردند. پس از بررسی‌های دقیق، دستورات لازم جهت رفع ظلم و احقاق حق صادر می‌گردید.<sup>۳</sup>

مستضی (حک: ۵۷۵ - ۵۶۶ ق) پول و اموال منقول اعم از درهم و دینار، اقلام خوراکی و پوشاکی میان اقشار و خانواده‌های نیازمند توزیع می‌کرد. سنت و عادت به بخشندگی و تحت حمایت قرار دادن توده‌های محروم تا پایان خلافت او ادامه یافت. سیوطی در این ارتباط می‌نویسد:

... چنان عدل و داد، سخاوت و جوانمردی می‌نمود که همتای آن را هرگز به عمر خود ندیده بودیم. به هاشمیان، علویان، دانشمندان، مدارس و نگهبانان مرزهای کشور مال

۱. همان، ج ۱۶، ص ۶۸۰۴؛ ابن کثیر، *البدایة و النهایة*، ج ۱۲ - ۱۱، ص ۱۱۰؛ خواند میر، *جیب السیر*، ج ۲، ص ۲۶۷.

۲. قرطبی، *دنبالة تاریخ طبری*، ج ۱۶، ص ۶۸۰۴.

۳. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۵۹۱.

فراوان بخشید؛ و همواره مال و ثروت می‌بخشید... طبق رسم و عادت دینار فراوان نثار کرد ...<sup>۱</sup>

مستنصر درجهت دادگستری، رفاه و خدمات عمومی اقدام‌های چشمگیری از خود به یادگار گذاشت. او درجهت ارائه خدمات عمومی و ساخت کاروان‌سراها، راه‌ها، پل‌ها، مساجد، خانقاه‌ها، بیمارستان‌ها و مهمان‌سراها - همراه با پذیرایی به‌ویژه در افطار ماه رمضان - تلاشی جدی و عملی مبذول داشت. نقل است که: «روزی قریب به عید بر بام قصر برآمده دید که بر اکثر بام‌ها [مردم] جامه‌های خویش شسته و انداخته‌اند. از وزیر پرسید که این چیست؟ وزیر گفت: که مردم جامه‌های خود شسته‌اند تا در روز عید بپوشند: فرمود که اهل بغداد چنان درویش شده‌اند که قوت و مکنت آن ندارند که جامه‌های نو سازند. آنگاه زرگران را امر کرد تا بنادق [گلوله‌های گلین و فندق شکل] طلایی ساختند و هر روز آن بنادق را به خادمان داد و امر می‌فرمود تا در کمان گرو نهاده در منازل بغدادیان انداختند».<sup>۲</sup> به گزارش مورخان مجموعه تلاش‌ها و کارنامه ارزنده او موجب شد تا در دوران خلافت مستنصر آرامش همراه با آبادانی، رفاه و رضایت عمومی در جامعه هویدا گردد.<sup>۳</sup>

معتضد به محض دستیابی به قدرت، ایجاد امنیت، عدالت و مبارزه با مفاسد حکومتی را در صدر برنامه‌ها و اهداف حکومتی خود قرار داد. او با صدور و ارسال دستورالعملی مفصل به سراسر قلمرو خلافت و پیگیری‌های لازم سعی نمود تا از بهره‌کشی و اجحاف کارگزاران حکومتی - به‌ویژه فرماندهان نظامی - به توده‌های مردم جلوگیری نماید.<sup>۴</sup>

مؤلفان **تاریخ الفی** در ارائه نمونه‌ای از خدمات معتضد آورده‌اند که:

... مبلغ بیست هزار دینار اختصاص داد تا گردنه کوه حلوان را که تجار و مترددین در گذشتن از آن بسیار جفا می‌کشیدند همواره ساختند.<sup>۵</sup>

مکتفی درجهت تحقق عدالت، گام‌های عملی و مؤثری برداشت. سیاه‌چال‌ها و زندان‌های مخوف زیرزمینی که برای ارباب، شکنجه و آزار مردم ساخته شده بود ویران و به‌جای آنها مسجد ساخت. زمین‌ها، باغات و مغازه‌هایی که پدرش جهت کاخ‌سازی به جبر غصب کرده بود به صاحبانشان بازگرداند.

۱. سیوطی، **تاریخ خلفا**، ص ۴۹۵.

۲. میرخواند، **روضة الصفا**، ج ۳، ص ۲۷۶.

۳. ابن طباطبا، **تاریخ فخری**، ص ۴۴۳ - ۴۴۲؛ سیوطی، **تاریخ خلفا**، ص ۴۵۳؛ میرخواند، **روضة الصفا**، ج ۳، ص ۲۷۶۱ - ۲۷۶۰.

۴. ابن طباطبا، **تاریخ فخری**، ص ۳۵۱؛ سیوطی، **تاریخ خلفا**، ص ۴۲۰.

۵. تتوی و قزوینی، **تاریخ الفی**، ج ۳، ص ۱۶۵۹.

از بیت‌المال اموال و پول‌هایی را میان مستحقان توزیع می‌کرد، تا آنجا که برخی بخشش‌های او را اسراف‌آمیز دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

ظاهر در دوران خلافت تلاش کرد که اموال غصب شده مردم توسط کارگزاران حکومتی را به صاحبان آنها بازگرداند.<sup>۲</sup> ناصر بر ساخت و تعمیر اماکن خیریه و عبادی موردنیاز مردم علاقه خاص داشت. ازجمله این اماکن می‌توان به بنای چندین مهمانسرا، مسجد و خانقاه اشاره نمود.<sup>۳</sup> قبل از خلافت مقتدی تمامی آب‌های چرکین و فاضلاب حمام‌های شهر بغداد به رود دجله وارد و آمیخته می‌شد؛ تا آنجا که گاه رنگ و طعم آب آن به‌طور آشکار و محسوس تغییر می‌یافت. او دستور داد تا جهت سلامت مردم و حفظ بهداشت برای فاضلاب حمام‌ها، چاه‌های مخصوص حفر کردند؛ و با این اقدام از ورود آب‌های آلوده به رود مذکور جلوگیری گردد.<sup>۴</sup>

#### چهار. سامان‌دهی زمان دریافت خراج از قوم ایرانی

تعیین زمان مناسب اخذ خراج از قوم ایرانی از دیگر اقدام‌های اصلاحی در عصر دوم عباسی بود. پیش از آن ایرانیان موظف بودند تا خراج و مالیات ارضی سالانه را در آغاز نوروز به محصلان مالیاتی تحویل دهند. موعد مذکور مقارن با زمانی بود که به دلیل عدم برداشت محصول، مؤدیان فاقد توان مالی کافی و لازم بودند. قاعده مرسوم و تحمیلی حاکمیت برای ایرانیان تحمل‌ناپذیر بود. متوکل و در ادامه آن معتضد ازجمله خلفایی بودند که در نحوه زمان دریافت مالیات مزبور راهکار و دستورالعمل جدید صادر کردند. متوکل با بررسی و تأمل در موضوع یاد شده به ابراهیم بن عباس موصلی متصدی دیوان خراج فرمان داد تا دریافت و وصول مالیات به موعد مناسب و بعد از برداشت محصول موکول گردد؛ لیکن پیش از تنفیذ، ابلاغ و اجرایی شدن دستورالعمل به قتل رسید.<sup>۵</sup>

بیش از سه دهه بعد از قتل متوکل، معتضد تصمیم متوقف مانده را به مرحله عملی و اجرایی رساند؛ تا آنجا که برخی عامل و واضع فرمان صادر شده را خلیفه مذکور دانسته و یادآور شده‌اند که به لحاظ عدم تقارن برداشت محصول با پرداخت مالیات حکومتی، ایرانیان با رنج و عذاب فراوان مواجه می‌شدند. خلیفه

۱. مسعودی، *مروج الذهب*، ج ۲، ص ۶۶۸؛ خواند میر، *حبيب السیر*، ج ۲، ۲۸؛ ترمذی، *رویدادهای تاریخ اسلام*، ج ۲، ص ۱۶۳؛ ابراهیم حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ص ۱۵.

۲. سیوطی، *تاریخ خلفا*، ص ۵۱۰ - ۴۹۵.

۳. میرخواند، *روضة الصفاء*، ج ۳، ص ۲۷۵۴؛ خواند میر، *حبيب السیر*، ج ۲، ص ۳۲۷.

۴. تتوی و قزوینی، *تاریخ الفی*، ج ۴، ص ۲۴۲۹ - ۲۴۲۸.

۵. حنبلی، *شذرات الذهب*، ج ۲، ص ۱۹۲؛ ابن مسکویه رازی، *تجارب الامم*، ج ۱، ص ۱۸۹؛ عبدالباقی، *الحضارة العربية الاسلامية في قرن الثالث الهجري*، ص ۱۰۷.

با بررسی و وقوف به مشکل رنج‌آفرین چندین‌ساله مورد بحث فرمان داد تا اخذ مالیات موظف در موعد تعیین شده (آغاز نوروز) به زمان برداشت محصول موکول گردد. طبری در این ارتباط می‌نویسد:

.... از آن جمله بود که معتضد در محرم سال ۲۸۲ ق دستور داد به همه عاملان در ناحیه‌ها و شهرها نامه نویسند که خراج را از نیروز [نوروز] که همان نیروز عجمان [ایرانیان] است آغاز نکنند و آن را به روز یازدهم حزیران (۲۹ خردادماه) عقب اندازند؛ و این را نیروز معتضدی نامیدند. نامه‌ها در این باب... نوشته شد که... هدف از این کار رفاه مردم [ایرانیان] و ملایمت با آنها را منظور داشته...<sup>۱</sup>

در ارتباط با استمرار قاعده و دستورالعمل مذکور بعد از خلافت معتضد گزارشی در دست نیست؛ لیکن استنباط می‌گردد به لحاظ پیشامد مشکلات اقتصادی و بروز نارضایتی در میان جمعیت قابل‌توجهی از مؤدیان مالیاتی خلفای بعدی بر روش وضع شده صحه گذاشته و مخالفتی ابراز نکرده‌اند.

### پنج. لغو واگذاری اقطاع<sup>۲</sup>

واگذاری اقطاع و تیول از سوی خلفای عباسی به صاحب‌منصبان سیاسی و نظامی - به‌ویژه ترکان چیره شده بر امور - از عصر خلافت واثق رایج و مرسوم شد. اقدام و رویه‌ای که به لحاظ استقلال و بهره چیره شدگان، موجبات بهره‌کشی فراوان از مردم و اهالی ساکن در اقطاع را به همراه داشت. مستنجد در گامی اصلاحی و نو قاعده واگذاری اقطاع و نظام مقاطعه را لغو و بر اخذ مستقیم خراج و مالیات از رعیت تأکید و آن را اجرایی نمود. پیش از آن - همانگونه که اشاره شد - اقطاع‌داران صاحب‌نفوذ چندین برابر میزان تعیین شده و بدهکار به خزانه خلافت از توده‌های رنج کشیده با شکنجه و زجر وصول می‌کردند.

اتخاذ تصمیم و اجرایی شدن لغو واگذاری اقطاع با عطف به شرایط سیاسی و نظامی حاکم، اقدامی مهم و دلیرانه در جهت کوتاه کردن دست استثمارگران و ترغیب رعایا به فعالیت اقتصادی و جلب رضایت عمومی بوده است. لیکن صاحبان اقطاع به لحاظ از دست دادن منافع سرشار به مقابله جدی با آن برآمدند. تا آنجا که حتی مؤلف **تاریخ فخری** نیز تحت تأثیر تبلیغات گروه مخالف اجرایی شدن طرح مزبور قرار گرفته و عملی شدن آن را اقدامی زشت از سوی مستنجد برشمرده است.<sup>۳</sup>

۱. طبری، **تاریخ طبری**، ج ۱۵، ص ۶۶۵۸.

۲. بخشیدن ملک یا قطعه زمین از جانب خلیفه یا سلطان به کسی که از درآمد آن استفاده کند.

۳. ابن طباطبای، **تاریخ فخری**، ص ۴۲۴.



### شش. مقابله با دریافت مالیات ناعادلانه و ایجاد انضباط در پرداخت مقرری

ظاهر در دوران خلافت علاوه بر تلاش و مخالفت در جهت امور مالیات‌های سنگین، کمرشکن و تحمیلی بر مردم، اموال غصب شده از سوی کارگزاران حکومتی را به صاحبان آنها بازگرداند.<sup>۱</sup> مستضی بالله در اصلاحات اقتصادی دوره خلافت، دریافت عواید گمرکی را از بودجه و درآمد دولتی و حکومتی لغو و اموال غصبی و مصادره شده توسط عاملان خلافت را به مالکان آنها عودت داد.<sup>۲</sup>

در دولت عباسی چگونگی دریافت خراج اراضی منوط به میزان آنها بود. اراضی که با گذر زمان و به دلایل مختلف از مساحت تعیین شده نخست برخوردار نبودند. لیکن مأموران دستگاه خلافت بدون نظرداشت مساحت موجود و فعلی زمین‌های مورد بحث، بر اساس مساحت نخستین، مالیات را محاسبه و دریافت می‌کردند. مهتدی طی صدور فرمانی مأموران مالیاتی را موظف نمود تا مساحت فعلی اراضی مورد کشت را ملاک دریافت مالیات قرار دهند. اجرایی شدن فرمان مزبور در کاهش فشار اقتصادی بر مؤدیان خراج، تأثیر مثبت و رضایتمندانه‌ای بر جای گذاشت.<sup>۳</sup> پیش از خلافت مقتدر در چگونگی پرداخت مقرری به مأموران و کارگزاران دستگاه خلافت قاعده منظم، منسجم و متوازی برقرار نبود. علی بن عیسی وزیر خلیفه با بازنگری در پرداخت مرسوم و پیشین تعادلی منطقی، مثبت و کارآمد میان درآمدهای واصله و هزینه‌های سیستم و تشکیلات اقتصادی برقرار کرد.<sup>۴</sup>

### ۳. مبارزه با فساد و منکرات

در دوره دوم خلافت، ترویج تعالیم اخلاقی و مبارزه با منکرات و مفسد اجتماعی از سوی برخی خلفا در دستور کار و در زمره برنامه‌ها و اهداف حکومتی قرار داشت. از جمله خلفای مزبور می‌توان به مهتدی، مقتدی، قادر، معتمد، مستنجد و ناصر اشاره داشت. مهتدی علاوه بر توصیه و تأکید بر جایگاه و اهمیت امر به معروف در خطابه‌های نماز جمعه، در اقدامی عملی شراب‌خواری، نغمه‌گری و آوازخوانی، استفاده از آلات و ابزار موسیقی و فحشا را ممنوع و خطاکاران را مورد مجازات قرار می‌داد.<sup>۵</sup> مقتدی (حک: ۴۸۷ - ۴۶۷) در مقابله با منکرات و مفسد اجتماعی، فاحشه‌خانه‌ها را تعطیل، فاحشه‌ها را از بغداد تبعید، اماکن و مغازه‌های مشروب‌فروشی را تخریب و کفتربازی را ممنوع کرد.<sup>۶</sup>

۱. سیوطی، *تاریخ خلفا*، ص ۵۱۰.

۲. همان، ص ۴۹۵.

۳. زیدان، *تاریخ تمدن اسلام*، ص ۳۲۷.

۴. ابن مسکویه رازی، *تجارب الامم*، ج ۵، ص ۲۲۰.

۵. یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۵۳۸؛ طقوش، *دولت عباسیان*، ص ۱۹۲؛ ابراهیم حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ص ۳۷۷.

۶. تنوی و قزوینی، *تاریخ الفی*، ج ۴، ص ۲۴۲۹ - ۲۴۲۸؛ ترمذی، *رویدادهای تاریخ اسلام*، ج ۲، ص ۴۴۹.

### مؤلفان تاریخ الفی در این ارتباط چنین توضیح می‌دهند:

المقتدی بامرالله امر کرد تا زنان فاحشه را از بغداد بر خرها سوار کردند و خانه‌های ایشان را در شهر خراب کرده و مسکن ایشان را در بیرون شهر از جانب غربی قرار دادند. هر جا که برج کبوتران بود خراب کردند... .

خلیفه مزبور در اقدام دیگر، با صدور دستورالعملی مفصل و معطوف به آیاتی از قرآن کریم از جمله آیه ۲۳ سوره نسا، آیات ۴ و ۹۰ سوره مائده و آیه ۴ سوره نحل، عامه مردم و کارگزاران خلافت را به اجتناب از منکرات و عمل به معارف و فرمان‌های واجب قرآنی و دینی توصیه و سفارش نمود.<sup>۱</sup>

مستنجد (حک: ۵۶۶ - ۵۵۵ ق) حساسیت و تنفّری خاص از سخن‌چینان داشت؛ و در واکنشی جدی آنان را به زندان‌های طویل‌المدت محکوم می‌کرد. خواند میر در این ارتباط می‌نویسد:

... مستنجد نوبتی به حبس یکی از غمّازان (سخن‌چینان) فرمان داد و آن شخص مدت مدید در زندان ماند. مردی از دوستان او به عرض مستنجد رسانید که اگر از موقف خلافت حکم به اطلاق آن دوست من صادر گردد تقبّل می‌نمایم که مبلغ ده‌هزار دینار به خزانه عامره رسانم. خلیفه جواب داد که اگر تو مانند آن غمّاز شریری دیگر پیدا کنی که محبوس گردانم به شکرانه، ده‌هزار دینار به تو انعام می‌دهم.<sup>۲</sup>

قادر در دوران خلافت حامی و دلبسته پرهیزگاران و باورمندان حقیقی و واقعی به شریعت اسلامی بود. او مکرر و در هر فرصت مردم را به نیکی و امور معروف و پرهیز کردن از مفسد و منکرات دعوت می‌نمود.<sup>۳</sup>

معتضد به مؤذن مشهور مرکز خلافت فرمان داده بود تا در هر زمان و موقعیت از شبانه‌روز که منکر و امور خلاف‌شرع و عفت عمومی را مشاهده و ملاحظه نمود بی‌درنگ به ادا و قرائت بلند اذان مبادرت نماید. او خود را موظف می‌دانست تا بدون فوت وقت و به‌دوراز تعلل با منکر در حال وقوع مقابله و خاطی یا خاطیان را مجازات نماید.<sup>۴</sup> ناصر در ترویج معارف و شریعت اسلامی و مبارزه با منکرات کوشا و فعال بود. او دستور داد تا بساط مشروب فروشی‌ها تعطیل و خم‌های شراب درهم شکسته شود.<sup>۵</sup>

۱. طبری، تاریخ طبری، ج ۱۴، ص ۶۰۲۲ - ۶۰۱۹.
۲. خواند میر، حبیب السیر، ج ۲، ص ۳۲۴.
۳. ابن اثیر، تاریخ کامل، ج ۱۳، ص ۵۶۵۹.
۴. نخجوانی، تجارب السلف، ص ۱۹۵ - ۱۹۴.
۵. میرخواند، روضة الصفا، ج ۳، ص ۲۷۵۳.

شایان ذکر است که عوامل گوناگون موجب شد تا فساد و منکرات از همان آغاز خلافت عباسی در ابعاد مختلف کمابیش رسوخ و استمرار یابد. در دوره دوم عباسی بروز معضلات اجتماعی، عادی شدن منکرات، ویژگی‌های شخصیتی و دینی برخی خلفا - که به آنها اشاره رفت - باعث شد تا آنان به صورت قوی و عملی در جهت سالم‌سازی جامعه، ترویج امر به معروف و مواجعه با مفسد و منکرات، تلاش‌هایی کوتاه‌مدت را آغاز و به انجام برسانند. لیکن به لحاظ نهادینه شدن فساد در سیستم، عدم همراهی مجموعه تشکیلات و کارگزاران، عدم استمرار قانونمند و منضبط مبارزه، نبود ثبات حاکمیتی، عدم اقتدار لازم و یا کوتاهی دوره فرمانروایی خلفای دغدغه‌مند، تکاپوهای برشمرده شده پیامدهای اصلاح‌گرایانه مطلوب، درازمدت و ماندگاری برای حاکمیت و جامعه به همراه نداشت؛ و فساد موجود و رسوخ یافته در بدنه حاکمیت و بساط حکمرانی، به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر در بروز ضعف و سرانجام سقوط خلافت عباسی نقش حتمی داشت.

#### ۴. توجه به علم و دانش و تکریم علما و دانشمندان

در دوره دوم خلافت عباسی به دلایل متعدد - که پرداختن به آن در این مقاله نمی‌گنجد - رشد، شکوفایی و اعتلای پیشین (دوره اول)، با ایستایی، رکود و توقف مواجه گردید. لیکن معدودی از خلفا با دارا بودن دیدگاه‌ها و انگیزه‌های شخصی و دانش‌دوستی در تکریم و حمایت از دانشمندان و فراهم‌سازی امکانات آموزشی، تکاپوهایی از خود به نمایش گذاشتند. از جمله خلفایی که در کارنامه فرمانروایی آنان تلاش‌هایی در زمینه‌های آموزشی، مدرسه‌سازی، حمایت، حرمت‌گذاری و تقدیر از صاحبان اندیشه و دانشوران قابل‌اعتنا و مشهود است می‌توان به مهتدی، راضی و مستنصر اشاره داشت.<sup>۱</sup>

راضی بخشی از اوقات خود را به مصاحبت و هم‌نشینی با علما و فضلا اختصاص داده بود؛ و با انعام و احسان، آنان را در جهت فعالیت‌های بیشتر علمی مورد تشویق قرار می‌داد.<sup>۲</sup> در برنامه‌ها و علاقه‌مندی‌های دوران خلافت ناصر رسیدگی به مدارس، تعمیر، تجهیز، نگهداری و حمایت از فعالیت‌های علمی و آموزشی جایگاهی برجسته و مهم به خود اختصاص داده بود.<sup>۳</sup> یعقوبی در گزارشی ستودنی پیرامون رفتارها و روش‌های خلافت مهتدی، حرمت‌گذاری و مقدم دانستن دانشمندان را از نکات شاخص کارنامه حکمرانی او برشمرده است.<sup>۴</sup>

۱ همان، ص ۲۹۱؛ خواندمیر، *حبیب السیر*، ج ۲، ص ۲۹۱.

۲ همان، ص ۲۹۱.

۳ همان، ص ۳۲۷.

۴ یعقوبی، *تاریخ یعقوبی*، ج ۲، ص ۵۳۸.

مستنصر در عصر خلافت علاوه بر تجلیل از دانشمندان، مدرسه‌ای با عظمت و مشتمل بر کتابخانه‌ای مجهز و دربردارنده انواع کتب علمی بنیاد نهاد. در مدرسه مذکور هر چهار مذهب رایج اهل سنت دارای مدرّس و دانشجو بودند. خوراک شبانه‌روزی آنان - اعم از نان، گوشت، میوه و شیرینی - مجانی و از سوی حاکمیت مقرر و توزیع می‌شد.<sup>۱</sup> مؤلف *روضة الصفا* در توضیحی پیرامون مدرسه یاد شده می‌نویسد:

در مدرسه‌ای که [مستنصر] بنا کرد؛ برخلاف مدرسه نظامیه که فقط وقف فقیه شافعیه بود، بر هر چهار مذهب وقف کرد، و از هر مذهب شصت و دو قضیه در آن تعیین کرد و چهار معید و یک شیخ و دو قاری برقرار کرد. علاوه بر این، تدریس طب را نیز در آن مدرسه مقرر داشت، و ده طالب علم با یک استاد تعیین کرد و دستور داد تا کتابخانه‌ای بسازند مشتمل بر کتب نفیس بی‌مانند که همه را وقف کرده بود...<sup>۲</sup>

از مدرسه مستنصریه به‌عنوان مرکز بزرگ آموزش عالی در حوزه علوم اسلامی و غیر اسلامی و یکی از مجهزترین دانشگاه‌های جهان اسلام یاد کرده‌اند. با مرگ بانی و مؤسس، شور و شوق، حمایت و نظارت پیشین استمرار نیافت. بنابراین مرکز علمی و آموزشی یاد شده در کارنامه عملی و عرضه دستاورد نقش مؤثر و کارآمدی در توسعه علوم و تربیت دانشمندان تأثیرگذار در ابعاد تعالی‌بخش جامعه و حاکمیت ایفا نکرد.

## نتیجه

با بروز و نمود مشکلات و مخاطرات پدیده آمده‌ای که ریشه در خطای راهبردی و تصمیمات ناسنجیده خلفای پیش از متوکل نیز داشت، نهاد خلافت و جایگاه خلفای دوره دوم عباسی با چالش و بحران جدی مواجه گردید. تعدادی از آنان ناچار و لاجرم به حفظ عنوان ظاهری خلیفه، راضی و برخی به آسانی توسط امیران استیلا یافته و چیره شده بر امور منصوب، معزول و مقتول می‌شدند. در این مسیر رو به ضعف و انحطاط، معدودی از خلفا به‌زعم خود با درک موقعیت، دریافت و شناخت ریشه و اساس مشکلات و آفات حاکمیت و احیاء منزلت و عظمت پیشین (دوره نخست خلافت)، تکاپوهای اصلاح‌گرایانه‌ای را با جدیت آغاز و پی گرفتند. اقدامات و گام‌های اصلاحی و عمل‌گرایانه آنان دربردارنده و مشتمل بر ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، نظامی، اجتماعی، علمی - آموزشی و معطوف به رفع و حل بحران و نیازهای مبرم و

۱. میرخواند، روضة الصفا، ج ۳، ص ۲۷۶۰.

۲. خواند میر، حبیب السیر، ج ۲، ص ۲۶۷.

فوری جامعه و حاکمیت بوده است. با غور و بررسی زوایای اصلاح‌گرایانه در ابعاد یاد شده، بیشترین بسامد و فراوانی به ترتیب در حوزه اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی - آموزشی و اجتماعی نمود و جلوه‌گری داشته است.

گرچه تلاش‌های تحقق یافته خلفای اصلاح‌گر در اعتلای منزلت خلافت و مقام خلیفه، کاهش اقتدار چیره‌شدگان بر دستگاه و شئون خلافت، جلب و جذب رعیت و توده‌های رنج‌کشیده کمابیش تأثیرگذار بود؛ ولیکن به لحاظ عدم انضباط و ثبات لازم در سیستم و نهاد حکمرانی، نفوذ و اقتدار مخالفان اصلاحات، خصلت، ضعف ذاتی و عدم‌انگیزه اصلاح‌گری در مرام خلفای موروثی جایگزین و جانشین، تکاپوهای اصلاحی تأثیرات ماندگار، تغییرات اساسی و کارآمد در نهاد خلافت و جامعه تحت قلمرو آن ایفا ننمود؛ و دستیابی به شکوه و مقام منبع دوره اول خلافت با توفیق قطعی همراه نگردید.

## منابع و مأخذ

۱. ابراهیم حسن، حسن، *تاریخ سیاسی اسلام*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، ۱۳۷۳.
۲. ابن اثیر، عزالدین، *تاریخ کامل*، ج ۱۰، ترجمه حمیدرضا آذریر، تهران، اساطیر، ۱۳۹۰.
۳. ابن اثیر، عزالدین، *تاریخ کامل*، ج ۱۳، ترجمه حمیدرضا آذریر، تهران، اساطیر، ۱۳۸۵.
۴. ابن اثیر، عزالدین، *تاریخ کامل*، ج ۱۴، ترجمه حمیدرضا آذریر، تهران، اساطیر، ۱۳۹۱.
۵. ابن طباطبا (ابن طقطقی)، محمد بن علی، *تاریخ فخری*، ترجمه محمد وحید گلپایگانی، تهران، علمی فرهنگی، ۱۳۶۰.
۶. ابن کثیر، اسماعیلی، *البدایة و النهایة*، ج ۱۱ و ۱۲، بیروت - ریاض، مكتبة المعارف - مكتبة النصر، ۱۹۶۶م.
۷. ابن مسکویه رازی، ابوعلی احمد، *تجارب الامم*، ج ۱، بیروت، مطبعة الشوكة التمدن الصناعية، ۱۳۲۳ق.
۸. ابن مسکویه رازی، ابوعلی احمد، *تجارب الامم*، ج ۵، ترجمه علینقی منزوی، تهران، توس، ۱۳۷۶.
۹. ابن وردی، زین‌الدین عمر، *تتمة المختصر فی اخبار البشر*، ج ۱، بیروت، دار المعرفة، ۱۳۸۹ق.
۱۰. احمدی‌منش، محمد، «اصلاح ساختار دولت عباسی در نیمه دوم سده هجری»، *پژوهش‌های علوم تاریخی*، س ۷، ش ۱، ص ۱۹ - ۱، ۱۳۹۴.

۱۱. پرگاری، صالح و زینب مؤمنی لندی، «اقدامات متوکل در رهایی خلافت عباسی از سلطه ترکان، *روزگاران*، س ۱۲، ش ۱۱، ص ۲۰-۱، ۱۳۹۳.
۱۲. تتوی، احمد و آصف قزوینی، *تاریخ الفی*، ج ۴، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۲.
۱۳. ترمانی، عبدالسلام، *رویدادهای تاریخ اسلام*، ج ۲، ترجمه جمعی از پژوهشگران، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
۱۴. جمعی از نویسندگان، *تاریخ اسلام*، ج ۴، ترجمه احمد آرام، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۱۵. حنبلی، عبدالحی، *شذرات الذهب فی اخبار من ذهب*، ج ۲، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۹۷۸م.
۱۶. خضری، سید احمد رضا، *تاریخ خلافت عباسی از آغاز تا پایان آل بویه*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت)، ۱۳۸۴.
۱۷. خواند میر، غیاث الدین، *حبیب السیر*، ج ۲، تهران، انتشارات کتابفروشی خیام، ۱۳۵۳.
۱۸. زیدان، جرجی، *تاریخ تمدن اسلام*، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۲.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، *تاریخ خلفا*، ترجمه عبدالکریم ارشد (فارابی)، تهران، احسان، ۱۴۰۰.
۲۰. صابی، هلال، *تحفة الامراء فی تاریخ الوزراء*، قاهره، دار الاحیاء الکتب العربیة، ۱۹۵۸م.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ج ۱۴، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۶۴.
۲۲. طبری، محمد بن جریر، *تاریخ طبری*، ج ۱۵، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۶۹.
۲۳. طقوش، محمدسهیل، *دولت عباسیان*، ترجمه حجت الله جودکی، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۶۹.
۲۴. عبدالباقی، احمد، *الحضارة العربیة الاسلامیة فی قرن الثالث الهجری*، بیروت، مرکز الدراسات الوحدة العربیة، ۱۹۹۱م.
۲۵. قرطبی، عریب بن سعید، *دنباله تاریخ طبری*، ج ۱۶، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، ۱۳۶۹.
۲۶. متز، آدام، *تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری*، ج ۱، ترجمه علیرضا ذکاوتی قراگزلو، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۴.



۲۷. مسعودی، علی بن حسین، **مروج الذهب**، ج ۲، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۰.
۲۸. مؤلف ناشناس، **مجمّل التواریخ و القصص**، بی‌جا، کلاله خاور، بی‌تا.
۲۹. میرخواند، محمد، **روضه الصفّ**، ج ۳، تهران، اساطیر، ۱۳۸۰.
۳۰. میکّل، آندره و هانری لوران، **اسلام و تمدن اسلامی**، ترجمه حسن فروغی، تهران، انتشارات سمت، ۱۳۸۱.
۳۱. ناظمیان‌فرد، علی و یاسمین حاتم‌الابراهیمی، «کامیابی معتضد در مدیریت بحران مالی خلافت عباسی»، **مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام**، ش ۱۶، ص ۱۵۴ - ۱۴۳، ۱۳۹۴.
۳۲. نخجوانی، هندوشاه، **تجارب السلف**، تهران، کتابخانه طهوری، ۱۳۵۷.
۳۳. یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، **تاریخ یعقوبی**، ج ۲، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی